

بیانات در دیدار فرمانده کل ارتش و جمعی از فرماندهان نیروی زمینی - 28 / فروردین / 1398

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا و نبينا ابى القاسم المصطفى محمد و على آله الطيبين الطاهرين سيما بقيّة الله فى الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، فرماندهان زحمت‌کش و خدوم به معنای واقعی کلمه؛ و باید تبریک عرض بکنیم به همه‌ی شما، به فرمانده محترم ارتش، به فرماندهان نیروها، به مسئولان عالی‌رتبه‌ی ارتش جمهوری اسلامی ایران و به یکایک آحاد این ارتش خدوم، روز ارتش را و جلوه‌گری‌های گوناگون ارتش را که بحمدالله در بخشهای مختلف افتخارآفرین بوده. البته این تبریک، مخصوص شما نیست، تبریک به خانواده‌هایتان هم هست؛ چون آنها هم زحمت میکشند در کنار شما، بخصوص همسرانتان که اگر آنها با شما همکاری نمی‌کردند و همدلی نداشتند و با شما همراه نبودند در این کار دشواری که بر عهده‌ی شماها است، شماها نمیتوانستید این توفیقات را به دست بیاورید و لااقل در بخشی از این کارها، این توانایی‌ها لنگ میزدید؛ بخصوص هر چه مسئولیتها بالاتر میرود، زحمت خانواده‌ها بیشتر میشود. از قول ما به خانم‌هایتان، به خانواده‌هایتان سلام برسانید، تبریک بگویید، هم روز ارتش را، هم نیمه‌ی شعبان را، هم اعیاد شعبانیّه را و هم عید نوروز را.

خب بیانات جناب سرتیپ حیدری بیانات خیلی خوبی بود و درست تبیین کردند، هم چهره‌ی «اشدء على الكفار»ی را، هم چهره‌ی «رحماء بینهم» (۱) را؛ این برداشت خیلی خوبی بود از واقعیت امروز ارتش. نیروهای مسلح، بدون تردید یکی از مظاهر و عناصر اصلی قدرت ملی هستند؛ البته در همه‌ی کشورها این جور نیست، در بسیاری از کشورها نیروهای مسلح عنصر اقتدار ملتها نیستند، عنصر اقتدار قدرتها و دیکتاتورها و مانند اینها هستند؛ یک وقت اگر لازم شد که توی سر ملت هم بزنند میزنند؛ حتی در آن جاهایی که ادعای آزادی‌خواهی و دموکراسی‌شان گوش فلک را هم کر کرده؛ شما شنبه‌های پاریس را الان ملاحظه کنید! لکن در کشور ما به برکت اسلام، به برکت تعالیم اسلامی - چون این را هم اسلام به ما یاد داده - الجنود یاذن الله حُصون الرعیة، (۲) شماها حصن ملتید، حصن آحاد مردمید. این حصن هم فقط در دوران جنگ نیست، در دوران جنگ که خب شما میروید سینه‌تان را سپر میکنید و در مقابل دشمن مهاجم، خطر را میپذیرید، شیوه‌های گوناگون برخاسته‌ی از دانش و تجربه را به کار میبرید برای اینکه دشمن را منکوب کنید، سرکوب کنید، مهاجم را وادار کنید به عقب‌نشینی؛ این مال جنگ است، اینجا پس واقعاً شما حصن و حصار رعیتید.

در دوران صلح هم همین جور است؛ غیر از این حوادث طبیعی - که [به آنها] خواهم پرداخت - ولو حوادث طبیعی هم نباشد و نیروهای مسلح، یا در پادگانهایشان، یا در قرارگاه‌هایشان باشند، مایه‌ی اطمینان آحاد ملتند. وقتی ملت احساس میکند که یک نیروی زمینی کارآمد، یک نیروی هوایی کارآمد، یک نیروی دریایی کارآمد، یک پدافند کارآمد در کشور حاضر و آماده است، احساس آرامش میکند، احساس اطمینان میکند؛ دشمنان ملت ایران با این هم مخالفند. می‌بینید، گاهی اوقات چه راجع به ارتش، چه راجع به سپاه، چه راجع به روابط اینها، حرفهایی میزنند برای اینکه با مضطرب نشان دادن درون سازمانی نیروهای مسلح، مردم را مضطرب کنند؛ مقصود این است. پس در دوران صلح هم استقرار نیروهای مسلح، آمادگی نیروهای مسلح، چه در پادگانهایشان، چه در اداراتشان، چه در مراکز استقرارشان مایه‌ی آرامش مردم است.

بعد میرسیم به حوادث طبیعی؛ شما ملاحظه کنید، در زلزله‌ی کرمانشاه حضور ارتش و دیگر نیروهای مسلح یک

حضور حیاتی بود، یعنی واقعا اگر چنانچه در آن مناطق اساسی زلزله زده اینها نبودند و به کمک مردم نمی شناختند، تلفات ما - غیر از ویرانی های گوناگون - قطعاً چند برابر میشد؛ این مال زلزله ی کرمانشاه. در این سیل اخیر هم، حالا من البته به نیروهای مسلح دستور دادم که بروند اما من میدانم و اطلاع دارم که قبل از دستور من هم بخش مهمی از نیروهای مسلح - ارتش و سپاه و دیگران - در میدان بودند. ارتش در گلستان، قبل از ستاد بحران حضور پیدا کرد، قبل از اینکه پای ستاد بحران به آنجا برسد، ارتش آنجا حضور داشت؛ «حُصُونُ الرَّعِيَّةِ» یعنی اینها. فقط هم این حضور، حضور آلات و وسایل و مانند اینها نبود؛ [بلکه] جسمشان، بدنشان، توان جسمانی شان در خدمت مردم بود. سرهنگ ارتشی خم میشود که یک پیرمرد پایش را بگذارد روی پشت او، سوار [کامیون] بشود! ببینید اینها چیزهایی است که میماند، در حافظه ی تاریخ گم نمیشود؛ این را ملت ایران دیدند، این «حُصُونُ الرَّعِيَّةِ» است؛ این یعنی ارتش وقتی میگوید «ارتش فدای ملت» صادق است در این کلام، دارد کار میکند؛ اینها ارزشهایی است که وجود دارد.

خب، یک نکته ی دیگر این است که ارتش جمهوری اسلامی به برکت جمهوری اسلامی صرفاً ابزارآلات و تجربه و دانش و فن نیست بلکه در بخشهایی از ارتش، یک نمایشگاه ارزشهای اسلامی هم هست؛ بسیاری از نقاط ارتش، ویتترین ارزشهای اسلامی است؛ چه در دانشگاه هایش، چه در پادگانهایش، چه در مراکز اداری و استقرارش، توجه به ظواهر دین، توجه به اعمال شریعت، توجه به خدمتگزاری؛ اینها چیزهایی است که در ارتش، خودش را نشان داده؛ من حکم کلی نمیکنم، همه یک جور نیستند. مهم این است که نمونه هایی داشته باشیم که انسان بتواند اینها را سر دست بلند کند و نشان بدهد. عباس بابایی را یا صیاد شیرازی را یا امثال اینها را انسان میتواند به یک ملت نشان بدهد، میتواند به امت اسلامی نشان بدهد و بگوید اینها، این [طور] بودند؛ آن تعهدشان، آن فداکاری شان، آن تواضعشان، آن گریختنشان از نام و نشان. در یک برهه ای، فرمانده نیروی هوایی را میخواستیم انتخاب کنیم، سه گزینه مطرح بود: شهید ستاری، شهید بابایی و یک نفر دیگر که یادم نیست چه کسی بود؛ مال زمان ریاست جمهوری من است. من به خودشان محول کردم، گفتم من انتخاب نمیکنم - به نظرم خواستمشان، حالا یادم نیست، چون خیلی گذشته، سالها گذشته - خودتان بنشینید یکی تان را انتخاب کنید؛ نشستند انتخاب کردند. البته آن زمان بیشتر رسم بود که فرمانده نیروی هوایی خلبان باشد، شهید ستاری خلبان هم نبود، نیروی فنی بود، [ولی] او را انتخاب کردند؛ مثلاً گفتند به این دلیل، به این دلیل. یعنی مثلاً شهید بابایی که حالا یادم هست اسمش را یا آن دیگری که یادم نیست، میتواندست یک اشاره ای بکند که آدم بفهمد او مایل است که بشود فرمانده، راحت همین کار اتفاق می افتاد، [چون] بالاخره او خلبان بود و خلبانها آن وقت در نیروی هوایی بیشترین امکانات را داشتند یعنی بیشترین شانس را داشتند برای فرماندهی؛ [اما اشاره ای] نکردند. اینها خیلی مهم است؛ غالباً چشمهای ظاهری و زیانهای جدا از اندیشه و فکر، این چیزها را نه می بینند و نه میگویند؛ اما هست، وجود دارد. من در ارتش خیلی بوده ام، با خیلی از ارتشی ها نشسته ام، برخاسته ام، آزموده ام این را، اینها وجود دارد در ارتش، این ارتش خیلی با ارزش است؛ ارتش مکتبی یعنی این، این را شماها که فرمانده هستید تقویت کنید.

امروز ارتش، دست بچه های متدین و انقلابی ارتش است؛ یعنی این آقایان که حالا در فرماندهی ارتش هستند، غالباً جوانهای انقلابی ارتشند که از ورودی های بعد از انقلابند. البته تعدادی مال اندکی قبل از انقلاب [هستند] اما غالباً مال ورودی های بعد از انقلابند که در ارتش وارد شده اند. امروز زمام این تشکیلات بزرگ، این سازمان باارزش دست شما است؛ هر چه میتوانید در این جهت ارتش را تقویت کنید. امروز ارتش ما، هم متدین تر از همیشه است، هم کارآمدتر از همیشه است، یعنی انصافاً هیچ تردیدی وجود ندارد. حالا آنهایی که عادت کرده اند به تحقیر ملت و تکریم خائنان به ملت، مرتب تکرار میکنند که ارتش مدرن را رضاخان تشکیل داد. خب همین ارتش مدرن در مقابل هجوم خارجی ها چقدر توانست مقاومت کند؟ چند نفر در آن ارتش مدرن ایستادند پای این مبارزه و جانشان را از دست دادند؟ بشمرند تا ببینیم؛ یک شبانه روز نتوانستند مقاومت بکنند؛ [اما] این ارتش هشت سال در یک جنگ

منظم مقاومت کرد، ایستادگی کرد، فعالیت کرد. ما شاهد بودیم، کارهایشان را دیدیم، حرکاتشان را دیدیم، زحمتهایی که متحمل شدند را دیدیم. این است دیگر. این ارتش، دانشش بهتر است، تجربه اش بیشتر است، روحیه اش بمراتب بالاتر است، توانایی های گوناگونش بهتر است، دینش هم بیشتر است، تعبدش هم بیشتر است، امانتش هم بیشتر است؛ این به برکت جمهوری اسلامی است؛ این جمهوری اسلامی است که ارتش را این جور بار آورده که بحمدالله مایه ی افتخار است.

ارتش و نیروهای مسلح، امروز فقط به منافع ملی نمیپردازند؛ منافع ملی را تأمین میکنند، اما برکات نیروهای مسلح ما امروز به بسیاری از کشورهای دیگر هم میرسد. شما فکر کنید اگر چنانچه نیروهای مسلح ما - ارتش و سپاه - در مبارزه ی با داعش وارد نمیشدند، امروز منطقه چه حالتی داشت؟ البته کشورهای کارهای خودشان را کردند، منتها نقش نیروهای مسلح جمهوری اسلامی را چه کسی میتواند نادیده بگیرد. شما ببینید که اگر وارد نمیشدند، امروز در کشورهای همسایه ی ما - همسایگان ما - ملتها چه جوری بودند و حکومتها دست چه کسانی بود؟ یعنی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی برکاتشان را دارند تقسیم میکنند، نعمتهای خدادادی را بین خودشان و دیگران دارند تقسیم میکنند، خیرشان به همه میرسد؛ و امیدواریم این ادامه پیدا کند و خیرتان به دنیا برسد؛ ان شاءالله.

یک کار مهمی هم که در ارتش به نظر من بوده و هست و ان شاءالله بیشتر هم تقویتش بکنید - سرتیپ حیدری هم [به آن] اشاره کردند - اتحاد نیروهای مسلح است؛ یعنی شما و سپاه، دست اتحادتان از هم جدا نشود. حرکت زیبایی بود این کاری که این آقایان کردند بعد از قضیه ی حرکت زشت آمریکایی ها نسبت به سپاه، پا شدند رفتند با سپاهی ها دست برادری دادند؛ این بسیار حرکت زیبا و درستی بود که انجام گرفت؛ اینها دشمن را خیلی عصبانی میکند؛ هر کاری که شما بکنید که دشمن را عصبانی کند آن کار خوب است؛ هر کاری انجام بگیرد که به نفع دشمن باشد آن کار بد است؛ هر جور کاری میخواهد باشد؛ چه آدمی که این کار را انجام میدهد مثل من عمامه داشته باشد، چه مثل شما لباس نظامی داشته باشد، فرقی نمیکند؛ دشمن را جری نباید کرد، روحیه به دشمن نباید داد. یکی از اساسی ترین شیوه های امروز جنگ در دنیا، جنگ روحیه ها است - البته همیشه همین جور بوده، امروز دیگر بیشتر - که روحیه ی طرف را تضعیف کنند. مردک در کشور خودشان هزاران میلیارد [دلار] بدهکاری و بدبختی و گرفتاری دارند، سیل می آید، طوفان می آید - [مثل] آن طوفانی که چند سال پیش در کارولینا آمد و تا چند سال اصلاً رسیدگی نتوانستند بکنند - این گرفتاری ها را دارند، آن وقت می آید می نشینند برای جمهوری اسلامی و ملت ایران و مسئولین کشور بنا میکند لیچار (۳) گفتن و چرند گفتن و چیزهایی که در شأن خودشان هست را به ایران نسبت دادن؛ دشمن این جوری است. او میخواهد روحیه ی طرف را ضعیف کند؛ میدانند واقعیت چیست، گرفتاری های خودشان را هم میدانند، بدبختی های خودشان را هم میدانند، حرکت عظیم و سریع ملت ایران را هم می بینند. این کاری که الان در مسئله ی سیل دارد انجام میگیرد در این چند استان، اینها کارهای فوق العاده است؛ واقعاً زبان و بیان، قادر نیست اینها را درست توصیف بکند؛ ارتش یک جور، سپاه یک جور، بسیج یک جور، آحاد مردم یک جور، روحانیون و طلبه ها یک جور؛ چند هزار طلبه رفتند، چند هزار دانشجو راه افتادند رفتند به کمک مردم، با دست خالی؛ خیلی هایشان توانایی هم ندارند؛ امکانات مالی ای که مردم در اختیار این کار گذاشتند؛ اینها یک چیزهای عجیبی است، اینها در دنیا، یا هیچ نظیر ندارد، یا خیلی کم نظیر دارد؛ اینها نشان دهنده ی حرکت عظیم ملت ایران است. اینها را دشمن می بیند، خب مصلحت نمیداند که به رو بیاورد، لذا می نشیند یاوه سرایی میکند برای تضعیف روحیه. از این طرف شما باید کاری نکنید که روحیه ی طرف تقویت بشود، روحیه ی خودی ضعیف بشود؛ هیچ کس نباید این جور حرکت بکند. در تبلیغات، در بیانات، در اظهارات، در عملکردها این را باید رعایت کنید.

ارتش بحمدالله ارتش خوبی است؛ امیدواریم روزبه روز کارها را بهتر، تخصص ها را بالاتر، عملکردها را بهتر، تجربه ها را متراکم تر انجام بدهید و گزارشهایی که به مسئولین بالا داده میشود، گزارشهای دقیق و واقعی باشد. همه ی دستگاه ها به این توجه کنند که گزارش را دقیق باید بدهند، چون گزارش تصمیم ساز است و تصمیم گیر بایستی گزارش

درست در اختیارش قرار بگیرد تا بتواند درست تصمیم بگیرد. از همه‌ی شماها متشکریم ؛ ان شاءالله که موفق و مؤید باشید.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(۱) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹ «... بر کافران، سخت گیر [و] با همدیگر مهربانند...»

(۲) نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۳

(۳) سخن گستاخانه، یاوه